

ثبت چننه در میراث فرهنگی ناملموس ایران

سیدحسین عظیمی نیا

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه علم و صنعت ایران

چیزی در چننه داشتن یا چننه کسی از چیزی تهی بودن، شاید این اولین مفاهیمی باشد که مخاطب با شنیدن نام چننه در ذهن خود با آن روبه‌رو خواهد شد. شاید هر فارسی زبان بارها این عبارت‌ها یا چیزی شبیه به آن‌ها را در مکالمات روزمره خود شنیده یا به کار برده باشد.

چننه واژه‌ای که به استناد فرهنگ فارسی عمید دارای اصل و ریشه‌ای مغولی (cante) است. در فرهنگ‌های فارسی معین، عمید و دهخدا با اندکی تفاوت در متن از چننه به‌عنوان توبره و کیسه‌ای کوچک که درویشان و شکارچیان برای حمل توشه و لوازم خود به دوش می‌گیرند از آن یاد شده است.

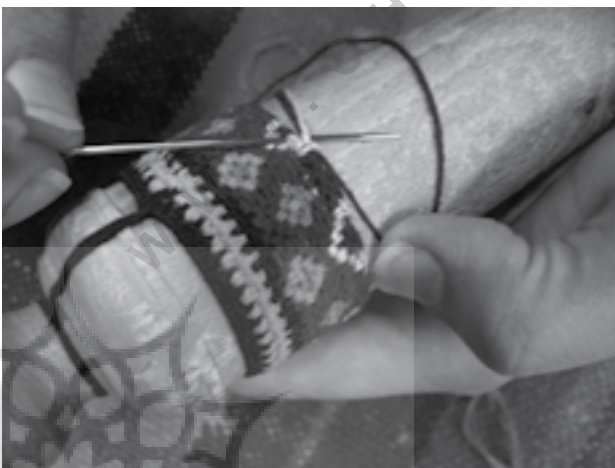
در مفهوم عام کیسه ساده‌ای از چرم تا گلیم و فرش گونه‌های مختلف، چننه را پدید می‌آورند؛ حال آنچه در این گزارش با عنوان چننه مورد بررسی قرار می‌گیرد هرچند در کل ماهیتی چون دیگر گونه‌های چننه داشته و حاصل کار کیسه محسوب می‌شود، اما کارکرد و شیوه بافتی متفاوت از دیگر گونه‌های چننه دارد.

ایرانیان از دیرباز در بافت انواع پارچه‌ها مهارت ویژه‌ای داشته‌اند. با تکیه بر شواهد تاریخی-باستان‌شناختی، از ظرافت لباس‌ها در نقوش برجسته تخت‌جمشید تا زربفت‌های ابریشمی باقی مانده در کاتدرال‌های^[۱] اروپا از دوره ساسانی همه گویای سابقه دیرینه بافت پارچه در این سرزمین هستند.

در بافت انواع پارچه، الیاف تشکیل‌دهنده نخ، نوع ریس آن‌ها، شیوه رنگ‌آمیزی و بسیاری از عوامل دیگر در ویژگی‌های حاصل کار یا همان پارچه نقش مستقیم دارند. یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر پارچه‌ها نوع دستگاه یا کارگاه بافت آن‌ها می‌باشد. چنانکه از گذشته تا به حال پارچه‌های گوناگونی از یک جنس اما با ظاهری متفاوت از سده‌های پیش در یزد بافته شده و بافت برخی از آن‌ها تا امروز در این شهر ادامه یافته است. تفاوت در ظاهر این منسوجات خود گواه تأثیر به‌سزای دستگاه بافت در این ویژگی‌هاست.

در چننه ابریشمی ابرکوه نیز که بی‌شک یکی از ظریف‌ترین نمونه‌های چننه محسوب می‌شود، شاید کارگاه بافت از برجسته‌ترین و قابل توجه‌ترین جنبه‌های این دست بافته به‌شمار آید.

ظرافت و زیبایی این کیسه‌های ابریشمی مینیاتوری تا آن اندازه است که شاید هیچ بیننده‌ای نتواند تصور کند دستگاه بافت



۱- کلیسای جامع



آن تا چه اندازه ساده و ابتدایی است. در بافت این نوع از چنته، کارگاه بافت، استوانه کوچک چوبی است که بافته با ننگه داشتن آن در یک دست، با دست دیگر زنجیره‌هایی با بهره‌گیری از سوزن و نخ ابریشم رج به رج از بالا به پایین به یکدیگر متصل کرده و بافت اصلی چنته را پدید می‌آورد. در اصطلاح به گره‌های تشکیل دهنده بافت چنته دندان موشی گفته می‌شود.

چنته دارای بافتی حلقوی است بدان معنی که در بافت آن مانند عموم پارچه‌ها از رشته‌های بود خبری نیست و کل بافت را رشته‌های تار ایجاد می‌نمایند.

با آنکه از سابقه و پیشینه این هنر در ابرکوه سند تاریخی دقیقی در دست نمی‌باشد. در گذشته این هنر در این شهر رواج داشته و یافت نمونه‌هایی قدیمی از این هنر در عموم خانه‌های ساکنان این شهر گواهی بر این مدعاست.

عمده نقش مایه‌های به کار رفته در چنته ابرکوه را نقوش هندسی و گیاهی به گونه‌ای انتزاعی شامل می‌شوند. این کیسه‌های ظریف عموماً کاربردی مذهبی داشته و به عنوان لفاف و محافظی برای مهر نماز استفاده می‌شده‌اند.

بافندگان چنته بسته به نیازشان برای افزایش یا کاهش عرض کیسه از استوانه‌هایی با قطرهای گوناگون بهره می‌گیرند؛ این در حالیست که آن‌ها در مورد طول کیسه‌ها محدودیت کمتری داشته و تا انتهای طول استوانه قادر به ادامه کار می‌باشند.

این دست بافته بی‌بدیل و چشم‌نواز در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۲۵ در فهرست میراث فرهنگی ناملموس ایران و با نام چنته ابرکوه به ثبت رسیده است.

اصطلاح «میراث فرهنگی ناملموس» به رسوم، نمایش‌ها، اصطلاحات، دانش مهارت‌ها و نیز وسائل، اشیاء، مصنوعات دستی و فضاهای فرهنگی مرتبط با آن‌ها اطلاق می‌شود که جوامع، گروه‌ها و در برخی موارد افراد، آن‌ها را عنوان بخشی از میراث فرهنگ خود می‌شناسند. این میراث فرهنگی ناملموس که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، همواره توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ آن‌ها مجدداً خلق می‌شود و حس هویت و استمرار را برای ایشان به ارمغان می‌آورد و بدین ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌کند. طبق تعریف کنوانسیون تصویب شده هفدهم اکتبر سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۲/۸/۲۵) تنها به آن قسم از میراث فرهنگی ناملموس توجه می‌شود که با اسناد بین‌المللی حقوق بشر موجود و نیز با ضرورت احترام متقابل میان جوامع، گروه‌ها و افراد و لزوم توسعه پایدار منطبق باشد.

«میراث فرهنگی ناملموس» در عرصه‌های زیر نمودار می‌شود:

الف - سنت‌ها و اصطلاحات شفاهی از جمله زبان که محملی برای میراث فرهنگی ناملموس به‌شمار می‌رود.

ب - هنرهای نمایشی

ج- رسوم اجتماعی، آئین‌ها و جشنواره‌ها

د- دانش و رسوم مربوط به طبیعت و کیهان

ه- مهارت در هنرهای دستی سنتی

متن کنوانسیون مذکور در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و دوم آذرماه ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۵/۱۰/۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. ■